
مقایسهٔ جو خانواده دختران فراری و غیر فراری ۲۰ - ۱۲ ساله

هایده چراغعلی گل^۱، امیرمسعود رستمی^۲، خدیجه ابوالمعالی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسهٔ جو خانواده دختران فراری و غیرفراری بود. پژوهش به روش علی - مقایسه ای انجام شد. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل کلیهٔ دختران فراری ۱۲ تا ۲۰ سالهٔ مستقر در مراکز ویژهٔ بهزیستی و دختران غیرفراری شهر تهران در سال ۱۳۸۹ بود. بدین منظور ۲۰ نفر از دختران فراری با روش نمونه گیری در دسترس از مراکز ویژهٔ بهزیستی (خانه سلامت و مرکز نواب صفوی) و ۲۰ نفر از دختران غیرفراری که از نظر سن و سطح تحصیلات مشابه دختران فراری بودند با روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای از مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران انتخاب شدند. آزمودنی‌ها با استفاده از پرسشنامه جو خانواده (فرم R) مورد مقایسه قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون "MANOVA" استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت میانگین نمرات عامل انسجام و کنترل در هر دو گروه معنادار بوده است.

کلید واژه ها

جو خانواده^۴، دختران فراری^۵، انسجام^۶، کنترل^۷
دریافت مقاله: ۹۱/۴/۳ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۱۴

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده روان شناسی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول)

hayedecheraghi@yahoo.com

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، عضو باشگاه پژوهشگران جوان، رودهن، ایران.

۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده روانشناسی، رودهن، ایران.

4. family environment
5. girls runaway
6. cohesion
7. control

مقدمه

توسعه زندگی شهری، پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، گسترش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۳). به طور کلی آسیب اجتماعی به بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی اطلاق می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۲۲). یکی از مصادیق آسیب‌های اجتماعی فرار از خانه است (نیسی و حقیقی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). فرار نوعی رفتار سازش نایافته است که در فرآیند آن، کودک یا نوجوان برای رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به دلیل جاذبه‌های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک می‌کند و سریعاً بدون واسطه به خانه برنمی‌گردد (زرگر و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۹). در طی دو دهه اخیر همراه با تحول کشورها و رشد شهرنشینی، پدیده فرار از خانه و تعداد کودکان خیابانی افزایش یافته است (یوس، ۱۹۹۴، از نیسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۶). به طور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز ساماندهی کودکان و نوجوانان فراری وابسته به شهرداری تهران گزارش می‌شود (شاره و آقامحمدیان، ۱۳۸۶: ۱۲۲). براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۱)، سالانه بیش از ۱/۳ میلیون نوجوان ۱۳ تا ۱۹ ساله از خانه فرار می‌کنند که درصد قابل توجهی از این افراد (۷۴ درصد) را دختران تشکیل می‌دهند (محمدخانی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). دوران نوجوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا آینده فرد و هویت یابی وی با این مقطع گره می‌خورد. دانش و آگاهی ناکافی، تجربه‌های مختلفی مانند وقایع زندگی، تعارض‌ها، آزردهی‌ها از یک طرف و الزامات مربوط به فرهنگ‌پذیری، فشار روانی قابل توجهی به فرد وارد می‌کند (لطفی کاشانی، وزیری، ۱۳۸۷: ۴۸). کودکان و نوجوانان فراری ممکن است به دلیل طیف گسترده‌ای از دلایل درون شخصی و برون شخصی مانند خشونت والدین، رقابت با خواهر و برادرها، عدم توجه خانواده و عدم ارتباط اعضا، جستجوی استقلال و خودمختاری، تشنج و اختلال‌های خانواده، و شکاف بین نسل‌ها، ازدواج نابسامان، جمعیت زیاد خانواده و عدم تأمین نیازهای آنها، کمبود حمایت خانوادگی، نجات از سرزنش‌های مداوم و تحقیرهای مکرر، مرگ والدین، فقر، طردشدگی، ناسازگاری با ارزش‌ها، افراط و تفریط زیاد والدین در مذهب و کنترل فرزندان، روابط ناکارآمد والدین با فرزندان، جو نامناسب عاطفی در خانواده، عدم نظارت خانواده، درگیری‌ها و کشمکش‌های شدید والدین و وجود ارتباطات بین فردی ضعیف والدین با یکدیگر و با فرزندان، مورد آزار جنسی قرار گرفتن، تجربه خشونت جسمی و روانی از جانب والدین، داشتن احساس بیگانگی و تنهایی در خانه، و رنج بردن از بیماری‌ها و اختلالات روانی نظیر افسردگی، اختلال شخصیت مرزی، اعتیاد و داشتن گرایش جنسی‌ای که برای خانواده غیر قابل قبول است خانه خود را ترک کنند (سالیوان و کاستون، ۲۰۰۰؛ میادا، ۲۰۰۱؛ لین، ۲۰۰۲؛ اسپارت چری^۱، ۲۰۰۳؛ چاپل، ۲۰۰۴؛ آندرس لمی و

¹ Spareth cherry

همکاران، ۲۰۰۵؛ ترن و همکاران، ۲۰۰۶؛ کولمن، ۲۰۰۷؛ چسنی - لایند و همکاران، ۲۰۰۸؛ خانگ^۱، ۲۰۰۹؛ پرگمیت و همکاران، ۲۰۱۰؛ توکر و همکاران، ۲۰۱۱؛ ده بزرگی، ۲۰۱۱؛ کریج و هندریکس^۲، ۲۰۱۱؛ اقلیما، ۱۳۸۰؛ حقیقت دوست، ۱۳۸۱؛ کامرانی فکور، ۱۳۸۵؛ بهرامی احسان و طهباز حسین زاده، ۱۳۸۶؛ ساکی و همکاران، ۱۳۸۶؛ اردلان، ۱۳۸۷؛ صابری اسفیدواجانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ ایمانی فرد و کامکار، ۱۳۸۹؛ خرم آبادی، ۱۳۹۰). فرار نوجوانان از خانه، نمود آشکاری از وجود مسئله‌ای عمیق‌تر و پیچیده‌تر به نام مسئله ارتباط نوجوانان با والدین است (حمیدی، ۱۳۸۲: ۹۹). این دختران در محیط منزل دچار مشکل‌هایی هستند که برایشان قابل حل نیست. از طرف دیگر، از یک یا چند نفر از اعضا خانواده خود به دلیل بی توجهی به رفع مشکل‌هایشان عصبانی می‌شوند و در نهایت، تحمل آنها به سر می‌آید و از منزل فرار می‌کنند (اردلان، ۱۳۸۱: ۱۸۸). فرار از خانه، معمولاً به دنبال یک دوره طولانی تعارض‌های شدید خانوادگی رخ می‌دهد (غریبی، ۱۳۸۶: ۳۳). هنگامی که کودکان و نوجوانان نتوانند با افراد خانواده رابطه دوستانه برقرار کنند یا با شرایط خانواده سازگار شوند ممکن است تنها راه را در فرار از خانه جستجو کنند (معظمی، ۱۳۸۲: ۴۸).

بیان مسئله

مساله مهم در فرآیند فرار این است که یک نوجوان فراری، کسی نیست که شب هنگام پنهانی از خانه خارج شود تا دوستانش را همراهی کند؛ در فرار، فرد از خانه خارج می‌شود تا دیگر بازنگردد (کانر^۳، ۲۰۰۹: ۱). لین (۲۰۰۲)، دی‌مان^۴ و همکاران (۱۹۹۴)، معتقدند: تا زمانی که این افراد در خانه‌های دوستان و خویشان خودشان ساکن شوند، خطر بسیار عمیق نیست، اما آنگاه که خیابان را به عنوان خانه خود انتخاب می‌کنند، موضوع وارد مرحله پیچیده و خطرناکی می‌شود (احدی و لطفی، ۱۳۸۶: ۱۶)، دختران فراری در بدو فرار، در خیابان‌ها، پارک‌ها، باغ‌های حاشیه شهرها، ساختمان‌های متروکه (تایلر و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۱۷؛ پرگمیت، ۲۰۱۰: ۱۴؛ اردلان، ۱۳۸۱: ۱۹۸؛ جوادی یگانه و عدل، ۱۳۸۴: ۱۰۹) و خانه‌های فساد شب را به صبح می‌رسانند (جوادی یگانه و عدل، ۱۳۸۴: ۱۱۳). خیلی از آنها به دلیل شرایط نامساعد زندگی دچار مشکلات بهداشتی نظیر سوءتغذیه، سل، عفونت‌های پوستی و ضعف سیستم ایمنی (مرکز ملی گمشدگان و استثمار کودکان^۵، ۲۰۰۷: ۷؛ نیوبای، ۲۰۰۹: ۷) می‌شوند، بسیاری از آنها نیز برای تهیه مایحتاج زندگی و خوراک، مرتکب سرقت (استینتون، ۲۰۰۷: ۸۲؛ شبکه ملی فرار^۶، ۲۰۱۰؛ جوادی یگانه و عدل، ۱۳۸۴: ۱۰۹)، تکدی‌گری (تایلر و بیل، ۲۰۱۰: ۱۱۳؛ فرگوسن، ۲۰۱۱: ۴۰۱؛ انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۳)، قتل (هامر و

¹ Khong

² Craig & Handrix

³ Conner

⁴ Deman

⁵ National Center for Missing and Exploited Children

⁶ National Runaway Switchboard

همکاران، ۲۰۰۲: ۴۰)، فروش خون یا پلاسمای بدن خود (فرگوسن، ۲۰۱۱: ۴۰۱) و روسپیگری (والکر، ۲۰۰۲: ۱؛ شولر و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۵؛ شاهرخی، ۲۰۰۸: ۲۳؛ فلاورز، ۲۰۰۹: ۹۰؛ رایبسون، ۲۰۱۰: ۲۱؛ ترن و چن، ۲۰۱۰: ۳۲؛ ۴۰۱) می شوند. دختران فراری ظرف مدت کوتاهی در پی آشنایی با باندهای فساد به فحشا کشیده می شوند. بیش از نیمی از این دختران، با هدف کسب پول یا سرپناه در طول مدت فرار، تقریباً هر روز ارتباط جنسی برقرار می کنند. ۷/۳ درصد این دختران ارتباط جنسی هم با مردان و هم با زنان را ذکر کرده اند، و میانگین تعداد شرکای جنسی در دخترانی که هر روز ارتباط جنسی دارند حداقل یک و حداکثر ۱۰ نفر است. و در این مرحله است که برای رهایی از فشار روانی، غم سرگردانی و کمبود محبت، بسیار سریع در دام سوء مصرف مواد مخدر و الکل (اسلس نیک و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۱۵؛ فلاورز، ۲۰۰۱: ۵۴؛ رافوئل و شاپیرو، ۲۰۰۱: ۱۳؛ وین کاپ و همکاران، ۲۰۰۳: ۳؛ وان لوین و هوپفر، ۲۰۰۴: ۲۲۸؛ جانسون و همکاران، ۲۰۰۵: ۷۹۹؛ استیتون، ۲۰۰۷: ۸۲؛ اسمیتون، ۲۰۰۹: ۷؛ اسلس نیک و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۷۶؛ هادلند و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۸۵) گرفتار می شوند. اکثر دختران فراری چند روز بعد از فرار، بلافاصله جذب باندهای خرید و فروش مواد مخدر شده و از آنان برای توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی و کالاهای غیرمجاز استفاده می شود (پرگمیت و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۱؛ شبکه ملی فرار، ۲۰۱۰؛ فرگوسن، ۲۰۱۱: ۴۰۱؛ انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۳)؛ این در حالی است که صاحبان و گردانندگان باندها برای این که این دختران حتی لحظه‌ای فکر فرار و لو دادن اعضای گروه را به ذهن خود راه ندهند، تمام اموالشان را به سرقت می‌برند و آنها را وادار به مصرف موادمخدر می‌کنند. بیشتر دختران فراری در عرض چند ساعت بعد از فرار مورد تجاوز و سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند (تیلر و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۰۶؛ نیوبای، ۲۰۰۹: ۷؛ تیلر و بیل، ۲۰۱۰: ۱۱۱؛ ملاندر و تیلر، ۲۰۱۰: ۵۷۵؛ ترن و چین، ۲۰۱۱؛ اردلان و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۰۳). براساس اعلام سازمان جهانی حمایت از کودکان خیابانی، ۷۰ درصد دختران فراری، روزانه یک یا دو بار مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند (جوادی‌یگانه و عدل، ۱۳۸۴: ۱۵)، این مسئله آنها را با سرخوردگی و شوک مواجه می‌کند، در این هنگام به دلیل سرافکنندگی ناشی از تجاوزات و بارداری زودرس (روزنتال و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۸۵؛ تامپسون و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۵)، غالباً روی بازگشت به خانه را ندارند یا به دلیل شرایط نامساعد خانه برای برگشتن انگیزه‌ای نمی‌یابند، به ناچار داوطلبانه جذب باندهای فساد می‌شوند. باندهای فحشا نیز اقدام به انتقال دختران فراری به کشورهای دیگر، تجارت سکس (یاتس و مک کینز، ۱۹۹۱: ۸۲؛ ویلیامسون و تولتر، ۲۰۰۲: ۱۰۷۶؛ مک‌اینتایر، ۲۰۰۹: ۶۳؛ شبکه ملی فرار، ۲۰۱۰؛ سویس و ادینبرگ، ۲۰۱۰: ۱۸۰؛ کلورلی و کید، ۲۰۱۰: ۱۰۴۹؛ اردلان و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۰۳؛ جوادی‌یگانه و عدل، ۱۳۸۴: ۱۱۳) و فروش اجزای بدن آنها می‌کنند. بسیاری از دختران فراری با برقراری روابط جنسی مخاطره آمیز، دچار انواع بیماری‌های جسمی مثل ایدز و سایر بیماری‌های مقاربتی نظیر

سوزاک، هیپاتیت و سفلیس (وایت‌بک و همکاران، ۱۹۹۹: ۲۹۱؛ فلاورز، ۲۰۰۱: ۵۴؛ مون و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۸؛ روترام- بورس و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۷۳؛ اسلس نیک و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۵۶؛ ملاندر و تیلر، ۲۰۱۰: ۵۷۵) و اختلالات روانی نظیر اضطراب و افسردگی (ارجمندکرمانی و رجب زاده، ۲۰۱۱: ۵۲۳؛ هادلند و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۸۵؛ اسلس نیک و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۷۶؛ کریچ و هندریکس، ۲۰۱۱: ۱۰؛ توکر و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۱۱) می‌شوند که به تدریج آنان را به سوی خودکشی (نیوبای، ۲۰۰۹: ۷؛ بنویت- براین، ۲۰۱۱: ۱۴) سوق می‌دهد. برپایه مبانی نظری و علمی پژوهش شاید بتوان گفت که برآورده نشدن نیازهای عاطفی و احساس ایمنی در خانه، احتمال بروز رفتار فرار از خانه و پناه بردن به منابع بیرون از خانه را در نوجوانان افزایش می‌دهد. با توجه به شیوع فزاینده فرار نوجوانان به خصوص دختران از منزل و کاهش سن فرار و عواقب ناگوار فردی و اجتماعی آن، در این پژوهش به دنبال مقایسه‌ی جو خانواده دختران فراری و عادی ۲۰-۱۲ ساله بودیم، تا مشخص شود که آیا بین جو خانواده دختران فراری و غیر فراری تفاوت وجود دارد یا خیر؟

هدف های پژوهش

- الف) مقایسه‌ی جو خانواده دختران فراری و غیر فراری
- ب) ارائه راهکارهایی برای بهینه سازی جو خانواده و پیشگیری از فرار دختران

فرضیه پژوهش

بین جو خانواده دختران فراری و دختران غیر فراری تفاوت وجود دارد.

چارچوب نظری

دیدگاه روان کاوی: از دیدگاه روان کاوی فرار نوعی سازوکار دفاعی یا واکنش جبرانی تسلی بخش است که فرد برای نجات و رهایی از رنج‌ها به آن تن می‌دهد. فروید معتقد است که کودک یا نوجوان عاصی می‌شود و خانه‌اش را ترک می‌کند، زیرا پدر برای پسر و مادر برای دختر، قابل تحمل نیست. از لحاظ عقده ادیپال، پدران نیز اگر بیش از حد مستبد و پرخاشگر باشند، رشد و سیر عادی استقلال شخصیت و اعتماد به نفس و به‌طور کلی رشد فکری، عاطفی، روانی و اجتماعی کودک مخصوصاً نوجوان و جوان متوقف یا لااقل به تأخیر می‌اندازد (معمدی، ۱۳۸۶: ۲۴۳). کارن هورنای فرار را نوعی تضاد می‌داند، تضاد در فردی که از یک سو می‌خواهد مستقل باشد و از سوی دیگر خواستار همبستگی است. او این تضاد را در سایه فرار تحقق یافته می‌داند (اقلیما، ۱۳۸۰: ۱۴۳). فرار را از دیدگاه اریکسون می‌توان مجالی برای اثبات وجود و کسب هویت دانست که در مرحله نوجوانی که مرحله کسب و انسجام هویت در برابر هویت مغشوش است، روی می‌دهد (از حیدری و سول زاده طباطبائی، ۱۳۸۶: ۵۷۴).

نظریه دیوید الکايند^۱ طبق نظریه دیوید الکايند نوجوانان در مقابل بهره کشی والدین، به همان شیوه‌ای واکنش نشان می‌دهند که کارگران در مقابل بهره‌کشی در کار. به عنوان مثال ترک مدرسه یا خانه توسط نوجوان همانند ترک کردن کار توسط کارگر است (بیابانگرد، ۱۳۷۷: ۸۹).

نظریه نوین کنترل هیرشی: هرچه همبستگی بین اعضای یک جامعه بیشتر باشد، افراد تمایل بالاتری به تبعیت از مقررات آن دارند و کج رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند و تعلق میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود و هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوند آنها با جامعه سست‌تر است و احتمال کج رفتاری بیش‌تر خواهد بود. در واقع به علت وابستگی به دیگران این احساس در فرد به وجود می‌آید که به انتظارات و خواسته‌های دیگران پاسخ دهد. بیش‌تر افراد سعی می‌کنند آسیبی به خانواده و خویشاوندان خود وارد نسازند، یعنی رفتار آن‌ها باعث ناراحتی و شرمندگی اقوامشان نشود. همچنین هیرشی معتقد به ارتباط بین خود کنترلی ضعیف و کج‌فتاری است و منشا آن را در خانواده، دوران کودکی و جامعه‌پذیری ناکارآمد می‌داند. وی در مورد فروپاشی خانواده و پدیده طلاق تحقیق کرده و آن را متغیر مهمی در بزهکاری نوجوان می‌داند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۴۸).

نظریه سالیوان: از نظر سالیوان تعارضات شدید خانوادگی، بدرفتاری و ایجاد یک نظام خشک و شدید در خانه منجر به فرار کودکان از خانه می‌شود (فتحی، ۱۳۸۷: ۷۸).

نظریه واکنش اجتماعی هاوارد بکر و ادوین لمرت: طبق این نظریه، بر اثر واکنش‌های اجتماعی، شبکه روابط شخصی و تصور از خود به هم می‌ریزد و زمینه برای کجروی بعدی ایجاد می‌شود. در خانواده‌های نابسامان فرصت اجتماعی برای جامعه‌پذیری سالم وجود ندارد، شبکه شخصی به هم ریخته است و تصویر از خود به علت مشخص نبودن نقش والدین فروپاشیده است، در نتیجه بزه‌دیدگان خانواده در جامعه زمینه‌ساز کجروی‌های بعدی خواهند بود. تحقیقات متعدد همبستگی بین فرار و بی‌ثباتی خانواده، فقر و رفتار مشکل ساز نوجوانی را نشان می‌دهند (هیلد براند، ۱۹۸۶؛ رایبیز، ۱۹۵۸، از حقیقت دوست، ۱۳۸۱: ۲۵۶).

نظریه ارتباطات ساترلند: ساترلند بزهکاری را ناشی از خطای خانواده ای دانسته است که قادر به یاددادن ارزش‌ها و هنجارها نبوده‌اند. به نظر وی نگرانی‌ها و نیازهای ارضا نشده در افراد عادی و بزهکار شبیه به هم است و تنها روش‌های یادگرفته شده واکنش به این نگرانی‌ها و محرک‌ها در آنان متفاوت است، خانواده به عنوان محیط یادگیری اولیه نوجوانان بر بزهکاری مؤثر است و معمولاً شرایط زیر در خانواده موجب ارتکاب بزه در فرزندان آنان می‌شود: الف) بزهکاری سایر افراد خانواده یا فساد اخلاقی و الکلی بودن آنها، فقدان والدین در اثر فوت یا طلاق یا ترک یکدیگر؛ ج) ناسازگاری

¹ David Elkind

موجود در منزل نظیر رفتار تحکم آمیز یکی از اعضای خانواده، سختگیری بیش از حد معمول؛ د) فشارهای اقتصادی نظیر بیکاری و درآمد غیر کافی (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳).

روش شناسی

با توجه به هدف پژوهش، ماهیت این مطالعه از نوع مطالعات کاربردی است و با روش پس رویدادی (علی - مقایسه ای) اجرا شده است.

تعریف مفاهیم و متغیرهای پژوهش (تعریف نظری - عملیاتی)

تعریف نظری جو خانواده:

منظور از جو خانوادگی، فضای حاکم بر خانواده از نظر چگونگی رفتار والدین با فرزندان است. مایکل راتر چهار نوع سبک برای ایفای نقش پدر و مادری شرح داده است: ۱. جو دیکتاتوری در خانواده: که با اصول سفت و سخت مشخص است. فرزندان این گونه خانواده‌ها از توجه و محبت کمتری برخوردارند و ممکن است به افسردگی کودک منجر شود. ۲. جو آزادی مطلق در خانواده: این گونه خانواده‌ها به جای «محدودیت»، «اختیار و آزادی فراوانی» به کودک می دهند. این والدین تمامی زندگی خود را وقف فرزندان می کنند. ۳. جو اهمال و غفلت در خانواده: مشخص است که با غفلت و درگیر نشدن در کار فرزندان، کودکان از محبت و توجه کمتری برخوردار می شوند. ۴. جو دموکراسی در خانواده: مشخص است که مشارکت در تصمیم‌گیری و هدایت رفتار در مسیری منطقی به پیدایش احساس اعتماد به نفس منتهی می شود (پورافکاری، ۱۳۷۶).

تعریف عملیاتی جو خانواده:

نمره‌ای است که شرکت‌کنندگان از پاسخ‌دادن به سؤالات مقیاس جو خانواده کسب می کنند.

تعریف نظری دختران فراری:

فرار^۱ یعنی ترک محیطی که دست‌یافتن به تمایلات، نیازها و خواسته‌های فرد در آن محیط غیرممکن و شرایط آن برای فرد نامطلوب است و فرد قادر به تغییر آن نیست (جوادی یگانه، عدل، ۱۳۸۴: ۱۰).

تعریف عملیاتی دختران فراری:

منظور از دختران فراری در این پژوهش دخترانی است که حداقل یک بار اقدام به فرار از منزل و ترک کامل آن کرده اند و غیبت آنها از منزل حداقل یک شب یا بیشتر بوده و در حال حاضر در مراکز نگهداری ویژه بهزیستی ساکن هستند.

¹ runaway

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه مورد نظر این پژوهش دختران ۱۲ تا ۲۰ ساله ساکن شهر تهران است که از بین آنها، ۲۰ نفر دختران فراری مستقر در مراکز ویژه بهزیستی به روش در دسترس از خانه‌های سلامت و مرکز نواب صفوی انتخاب شدند. سپس ۲۰ دختر غیرفراری از مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران بعد از همتاسازی با دختران فراری با روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای گزینش شدند و در آزمون شرکت کردند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه جو خانواده^۱: این پرسشنامه را موس و موس^۲ (۱۹۹۴) برای اندازه گیری محیط اجتماعی خانواده، طراحی کردند و شامل ۹۰ سؤال «درست- نادرست» و ۱۰ خرده مقیاس است. این خرده مقیاس‌ها سه بُعد رابطه خانواده را می‌سنجد که شامل انسجام، بیانگری و تعارض است؛ بُعد رشد شخصی خانواده (یا هدف‌مدار) شامل استقلال، پیشرفت مدار، منطقی- فرهنگی مدار، پر تکاپو- تفریحی مدار و اخلاقی- مذهبی مدار است؛ و بُعد بقای نظام خانواده، شامل سازماندهی و کنترل است. بُعد رابطه خانواده و بقای نظام خانواده، نشان دهنده کارکرد درونی خانواده است؛ در صورتی که بُعد رشد شخصی خانواده، نشان دهنده ارتباط بین خانواده و اجتماع بزرگ‌تر است. پرسشنامه جو خانواده، به اندازه‌گیری کل محیط خانواده یک فرد و اینکه چطور این ابعاد می‌توانند بر شخصیت و سلامت روان یک فرد تأثیر بگذارند، کمک می‌کند (فرخ زاد، ۱۳۸۷: ۴۳). در تحقیقی که روی گروه آمریکایی انجام دادند، پایایی بازآزمایی خرده مقیاس‌های آن با فاصله‌های زمانی ۱۲،۴،۲ ماه، دامنه‌ای از ۵۲ درصد تا ۹۱ درصد بوده است (موس و موس، ۱۹۸۶، از ملاشریفی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۶۰). در پژوهشی که روی گروه خانواده‌های ایرانی ساکن تهران انجام شد، پایایی هر ۱۰ خرده مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۵۶ تا ۷۹ درصد و با روش بازآزمایی به فاصله ۱/۵ ماه، در دامنه‌ای بین ۶۳ تا ۸۳ درصد بوده است. پایایی کل مقیاس در این پژوهش با آلفای کرونباخ ۶۷ درصد به دست آمده است (ملاشریفی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۵۵). ضریب پایایی این آزمون برای ۱۰ خرده مقیاس محاسبه شده است. در این میان، کمترین میزان ۶۸ درصد به خرده مقیاس استقلال و بالاترین میزان ۸۶ درصد به خرده مقیاس انسجام مربوط است. بنابراین پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن از پایایی مطلوبی برخوردار است (فرخ زاد، ۱۳۸۷: ۴۳). در روایی تشخیصی، تفاوت میانگین گروه‌های عادی و مشکل‌دار، با آزمون t مستقل مورد مقایسه قرار گرفته اند. که نتیجه در همه خرده مقیاس‌ها غیر از "پیشرفت مدار" و "سازمان‌دهی" معنادار بوده است (ملاشریفی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

^۱ family environment scale

^۲ Moos And Moos

یافته‌ها

۱- یافته‌های توصیفی: جدول ۱ مؤلفه‌های آماری نمرات آزمودنی‌ها را در خرده مقیاس‌های انسجام، بیانگری، استقلال، پیشرفت مدار، منطقی، پرتکاپو و کنترل، تعارض، اخلاق و سازمان دهی ارائه کرده ایم.

جدول شماره ۱- مدل شاخص‌های توصیفی مقیاس جو خانواده

خرده مقیاس	شاخص‌ها گروه‌ها	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشیدگی
انسجام	دختران عادی	۱/۶۷۷۸	۱/۷۷۷۸	۱۸۳۴۶	۳۴	٪ ۱/۰۳۴	٪ ۳۹۴
	دختران فراری	۱/۵۰۵۶	۱/۵۵۵۶	۲۵۰۹۹	۶۳	٪ ۱/۷۱	٪ ۱/۱۸۹
بیانگری	دختران عادی	۱/۶۶۶۷	۱/۶۶۶۷	۱۶۹۰۹	۲۹	٪ ۱۹۹	٪ ۳۶۰
	دختران فراری	۱/۶۱۶۷	۱/۶۶۶۷	۱۹۲۳۷	۳۷	٪ ۳۶۴	٪ ۵۰۹
تعارض	دختران عادی	۱/۴۷۷۸	۱/۴۴۴۴	۱۴۰۰۸	۲۰	٪ ۲۴۲	٪ ۲۹۱
	دختران فراری	۱/۵۵۰۰	۱/۵۵۵۶	۱۷۰۹۰	۲۹	٪ ۲۸۵	٪ ۱۷۶
استقلال	دختران عادی	۱/۶۲۲۲	۱/۶۶۶۷	۲۰۲۰۰	۴۱	٪ ۳۲۵	٪ ۷۶۳
	دختران فراری	۱/۵۵۰۰	۱/۵۵۵۶	۱۷۸۳۴	۳۲	٪ ۸۵۳	٪ ۶۴۴
پیشرفت مدار	دختران عادی	۱/۶۲۲۲	۱/۶۱۱۱	۱۳۱۹۶	۱۷	٪ ۳۶۹	٪ ۵۳۱
	دختران فراری	۱/۶۳۸۹	۱/۶۶۶۷	۲۱۵۹۲	۴۷	٪ ۴۶۹	٪ ۲۸۶
منطقی	دختران عادی	۱/۵۷۲۲	۱/۵۵۵۶	۲۰۴۸۰	۴۲	٪ ۳۱۶	٪ ۴۶۰
	دختران فراری	۱/۵۳۸۹	۱/۵۵۵۶	۱۹۱۶۹	۳۷	٪ ۵۱	۱/۲۸۹
پرتکاپو	دختران عادی	۱/۶۰۵۶	۱/۶۱۱۱	۱۱۶۶۷	۱۴	٪ ۴۴۹	٪ ۴۲۵
	دختران فراری	۱/۵۳۸۹	۱/۵۵۵۶	۲۰۴۸۰	۴۲	٪ ۳۶	٪ ۱۷۸
وضعیت اخلاق	دختران عادی	۱/۵۲۲۲	۱/۵۵۵۶	۱۳۰۴۸	۱۷	٪ ۴۲۹	٪ ۵۴۲
	دختران فراری	۱/۵۵۵۶	۱/۵۵۵۶	۱۸۳۸۲	۳۴	٪ ۸۵۲	٪ ۵۵۰
سازماندهی	دختران عادی	۱/۵۲۲۲	۱/۵۵۵۶	۱۳۰۴۸	۱۷	٪ ۴۲۹	٪ ۵۴۲
	دختران فراری	۱/۵۵۵۶	۱/۵۵۵۶	۱۸۳۸۱	۳۴	٪ ۸۵۲	٪ ۵۵۰
کنترل	دختران عادی	۱/۶۱۱۱	۱/۵۵۵۶	۱۴۶۴۳	۲۱	٪ ۳۰۷	٪ ۱۰۹
	دختران فراری	۱/۴۳۸۹	۱/۴۴۴۴	۲۱۴۷۱	۴۶	٪ ۵۱۶	۱/۳۰۳

تفسیر جدول ۱: در تمامی خرده‌مقیاس‌های جو خانواده به‌جز خرده مقیاس استقلال، پراکندگی نمرات دختران فراری بیشتر از دختران عادی بود. فقط در خرده مقیاس استقلال، پراکندگی نمرات دختران عادی بیشتر از دختران فراری بود. در خرده مقیاس‌های انسجام، بیانگری، استقلال، پیشرفت‌مدار، منطقی، پرتکاپو و کنترل، میانگین نمرات دختران عادی بیشتر از دختران فراری و در

خرده‌مقیاس‌های تعارض، اخلاق و سازمان‌دهی میانگین نمرات دختران فراری بیشتر از دختران عادی بود. در خرده‌مقیاس‌های انسجام، استقلال، پرتکاپو و کنترل میانه نمرات دختران عادی بالاتر از دختران فراری بود. در خرده‌مقیاس‌های پیشرفت مدار و تعارض میانه نمرات دختران فراری بالاتر از دختران عادی بود و در خرده‌مقیاس‌های بیانگری، منطقی، اخلاق و سازمان‌دهی میانه هر دو گروه یکسان بود. با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی، توزیع نمرات در تمامی نمرات نرمال بود.

۲- یافته‌های استنباطی

جدول شماره ۲- نتیجه تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA)

Dependent Variable	Type III Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig
انسجام	۰,۲۹۷	۱	۰,۲۹۷	۶,۱۳۷	۰,۱۸
بیانگری	۰,۰۲۵	۱	۰,۰۲۵	۰,۷۶۲	۰,۳۸۸
تعارض	۰,۰۵۲	۱	۰,۰۵۲	۲,۱۳۶	۰,۱۵۲
استقلال	۰,۰۵۲	۱	۰,۰۵۲	۱,۴۳۷	۰,۲۳۸
پیشرفت مدار	۰,۰۰۳	۱	۰,۰۰۳	۰,۰۸۷	۰,۷۷۰
منطقی	۰,۰۱۱	۱	۰,۰۱۱	۰,۲۸۲	۰,۵۹۸
پرتکاپو	۰,۰۴۴	۱	۰,۰۴۴	۱,۶۰۰	۰,۲۱۴
اخلاقی	۰,۰۱۱	۱	۰,۰۱۱	۰,۴۳۷	۰,۵۱۲
سازمان‌دهی	۰,۰۳۱	۱	۰,۰۳۱	۰,۸۸۷	۰,۳۵۲
کنترل	۰,۲۹۷	۱	۰,۲۹۷	۸,۷۸۳	۰,۰۰۵

تفسیر جدول ۲: براساس جدول تحلیل‌های آماری، تنها تفاوت جو خانواده دختران فراری و عادی، در دو مؤلفه انسجام و کنترل بود، به گونه‌ای که تأثیر خرده‌مقیاس انسجام ۰,۱۱۶ و کنترل ۰,۱۶۶ بود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش که با هدف مقایسه ابعاد مختلف جو خانواده دختران فراری و عادی اجرا شد، خانواده دختران فراری در ابعاد انسجام (از ابعاد رابطه خانواده) و کنترل (از بعد بقای نظام خانواده) با خانواده دختران عادی تفاوت داشت. به عبارت دیگر، خانواده دختران فراری از لحاظ میزان تعهد، کمک و حمایت هر یک از اعضای خانواده از دیگر اعضا (ملاشرفی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۶۰)، و احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر (لینگرن^۱، ۲۰۰۳: ۹۷)، و اجرای قوانین با خانواده دختران

¹ Lingren

عادی متفاوتند. این نتایج با یافته‌های پژوهشگران زیر همسویی دارد: لوبر و دیشول^۱ (۱۹۸۳)، لیدینگهام و شوارتزمن^۲ (۱۹۸۴)، و مک کارتی، هاجان و مارتین^۳ (۲۰۰۲)، کتک کاری، آزار و توهین و کنترل شدید در خانواده و بی‌توجهی را عامل اختلال شخصیت ضد اجتماعی در بزرگسالی قلمداد کرده‌اند؛ کید و کرال^۴ (۲۰۰۲)، علت فرار را فقدان کنترل و داشتن احساساتی مانند طرد، بی‌ارزش بودن در خانواده و انزوا بیان کرده‌اند؛ کونگر و الدر، لورنز، سیمونز و وایت بک^۵ (۱۹۹۲)، جانسون، لای و ماهونی^۶ (۲۰۰۱) نشان داده‌اند که انسجام و همبستگی خانواده تاثیر بسزایی بر میزان بروز مشکلات عاطفی و رفتاری در نوجوانان دارد؛ خانگ^۷ (۲۰۰۹) جدایی و طلاق والدین و عدم توجه خانواده را علت فرار می‌داند؛ کاویلا (۲۰۰۱)، ۸۰ درصد دلایل ذکر شده برای فرار را مسائل و مشکل‌های خانواده می‌داند؛ توکر و همکاران (۲۰۱۱)، کمبود حمایت خانوادگی را عامل مؤثر بر فرار از خانه می‌داند. همچنین یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های وایت بک، هویت و یودر^۸ (۱۹۹۹) و مک کارتی، هاجان و مارتین (۲۰۰۲)، وضعیت نابسامان خانواده را از دلایل اساسی فرار دانسته‌اند و بررسی اسلس نیچ، میرز، میادا و سگلتن^۹ (۲۰۰۲)، که نشان دادند فرار نوجوانان به دلیل آشفتگی‌های خانواده بوده است، همخوانی دارد. از طرفی این یافته‌ها با نظریهٔ واکنش اجتماعی هاوارد بکر و ادوین لمرت نیز قابل تبیین است. براین اساس در خانواده‌های نابسامان وضعیت اجتماعی برای جامعه پذیری سالم وجود ندارد و شبکه روابط شخصی به هم ریخته است، در نتیجه تصور از خود، به علت مشخص نبودن نقش والدین فروپاشیده است و قربانیان این فروپاشی در جامعه مستعد کجروی‌های بعدی خواهند بود. هاروکس نیز رشد انحراف را در سخت‌گیری‌های بی‌جا و غیر منطقی بزرگسالان می‌داند و لوناکول میل به رهایی از قیود خانواده و فرار از زیر فشارهای خانواده و اجتماع را در این ناهنجاری اجتماعی مطرح می‌کند. همچنین این بررسی با نظریه‌های ساترلند و هیرشی که طلاق و جدایی والدین را زمینه‌ساز بزهکاری و از جمله فرار کودکان می‌دانند و تئوری سالیوان که تعارضات شدید خانواده، بدرفتاری یا وجود یک نظام خشک و شدید را عامل فرار کودکان از خانه می‌داند منطبق است. کومینگز، دیویس و کمپ بل^{۱۰} (۲۰۰۱) نیز در تحقیق‌های خود خاطر نشان ساختند که خانواده در پیدایش اختلال‌های رفتاری و روانی تأثیر مهمی دارد. همچنین سل باچ و کارلوس^{۱۱} (۲۰۰۲) در طی تحقیقی که با هدف بررسی سبک‌های دل‌بستگی در نوجوانان فراری

¹ Loeber & Dishol

² Ledingham & Schwartzman

³ Mc Carthi & Hajan & Martin

⁴ Kidd & Kral

⁵ Conger & Elder & Lorenz & Simons & Withbeck

⁶ Jahnson & Lavoie & Mahoni

⁷ Hoyt & Youder

⁸ Slesnish & Meyers & Meada & Segelten

⁹ Commings & Davies & Campbell

¹⁰ Selbach & Carlos

انجام دادند به این نتیجه رسیدند که والدین نوجوانان فراری از سبک فرزندپروری استبدادی و بسیار رعب‌آور استفاده می‌کنند، به طوری که نوجوانان در خانواده‌هایی که فضای حاکم بر آنها گناه، خجالت، شرم، ارباب و ترس است، رشد می‌کنند. بازنگری گسترده متون پژوهشی نوجوانان فراری ایرانی نشان می‌دهد که یافته‌های پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش‌های زیر همسویی دارد: خرم آبادی (۱۳۹۰) و صابری اسفید و اجانی و همکاران (۱۳۸۹) که دریافتند در ۳۸/۲ درصد دختران فراری بین والدین اختلاف وجود دارد و در ۱۶/۴ درصد آنها، والدین جدا از هم زندگی می‌کنند؛ زرگر و همکاران (۱۳۸۷) دریافتند خانواده دختران فراری در ابعاد جامعه‌پذیری، آرمان خانواده، پیوستگی، ابراز وجود (بیانگری)، تعارض، منبع کنترل بیرونی، سبک‌های تربیتی آزادمنش، بی‌قید و بند و مستبد، عملکرد ضعیف تری نسبت به دختران غیرفراری دارند؛ فتحی (۱۳۸۷)، کامرانی فکور (۱۳۸۵) خشونت علیه دختران و از هم گسیختگی خانوادگی را از عوامل مؤثر بر فرار دختران دانسته‌اند؛ نیسی و همکاران (۱۳۸۶) و محمدخانی (۱۳۸۶) نابسامانی خانواده و ناسازگاری بین اعضاء را مهم‌ترین علل فرار دانسته‌اند؛ نوابخش و قائدمحمدی (۱۳۸۶) نشان دادند که دختران فراری حمایت خانوادگی پایینی دارند و از خانواده‌های سخت‌گیر هستند؛ رسول زاده طباطبائی، بشارت و بازیاری (۱۳۸۴)، نشان دادند دختران فراری غالباً از خانواده‌های از هم گسیخته و آشفته هستند و نسبت سخت‌گیری و کنترل در بین خانواده‌های دختران فراری بیشتر از دختران عادی است؛ همچنین یافته‌های رضایی (۱۳۸۲) نشان داد که تشنج و اختلال‌های خانواده، سخت‌گیری افراطی خانواده و افراط و تفریط در نظارت و کنترل فرزندان توسط والدین از عوامل مؤثر در فرار دختران است، یافته‌های حیات روشنایی (۱۳۸۱) نشان داد که ۸۰ درصد دختران فراری به خانواده‌های نابسامان تعلق دارند. پژوهش سامانی (۱۳۸۵) نشان داد تفاوت مهم دختران فراری در مقایسه با دختران عادی در کنش‌های عاطفی خانواده است. این بررسی نشان داده است که خانواده و کنش‌های آن عامل مهمی در بروز رفتار فرار از خانه در دختران است. یکپارچگی و همبستگی کم خانواده نوجوان دختر با پدر، وجود مشکل در روابط زناشویی والدین، روابط ناکارآمد والدین با دختر نوجوان و به دنبال آن ناخشنودی دختران نوجوان از زندگی در کنار پدر و مادر، دست کم زمینه را برای اقدام به فرار دختران آماده می‌کند. حمیدی (۱۳۸۳) به این نتیجه دست یافت که خانواده دختران فراری بسته است و اعضای آن به لحاظ عاطفی سرد، جدا از هم و گسسته هستند، عشق این خانواده‌ها مشروط است. همچنین حقیقت‌دوست (۱۳۸۱) دریافت عامل خانواده بیش از سایر عوامل در گریز دختران از خانه نقش دارد و عمده‌ترین علت فرار در گروه مربوط به عوامل خانواده نابسامانی‌های خانواده از جمله جدایی والدین است، حسینیان و همکاران (۱۳۸۲) دریافتند که نوجوانان فراری در خانواده‌هایی با عملکرد غیرکارآمد و مختل رشد یافته‌اند، از طرفی محبی (۱۳۸۱) علل فرار را به خشونت و تبعیض در خانواده و دادن آزادی مطلق یا محدودیت بیش از حد نسبت داده است و این یافته‌ها با نتایج

پژوهش حاضر همخوانی دارد. به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های فوق‌الذکر حاکی از آن است که خانواده با ایجاد جوی سالم، منسجم و فضایی مملو از آرامش و امنیت نقش اساسی در سلامت روان هر یک از اعضای خود ایفا می‌کند.

منابع

فارسی

- احدی، ح و لطفی کاشانی، ف. (۱۳۸۶). ویژگی‌های شخصیتی دختران فراری و عادی. روان شناسی کاربردی، دوره اول. شماره ۴، ۲۳-۱۵.
- احمدی، ح. (۱۳۸۴). جامعه شناسی انحرافات، چاپ اول، انتشارات سمت.
- اردلان، ع. سیدان، ف و ذوالفقاری مطلق، م. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۹۰؛ ۲۷۴-۲۵۳.
- اردلان، ع. هولاکوی نائنی، ک. محسنی تبریزی، ع و جزایری، ع. (۱۳۸۱). ارتباط جنسی برای بقا، پیامد فرار دختران از منزل، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۵، ۲۱۹-۱۸۷.
- اقلیما، م. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر در بازگشت مجدد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی به مراکز بازپروری سازمان بهزیستی، طرح تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- انجمن جامعه شناسی ایران، (۱۳۸۳). آسیب‌های اجتماعی، مجموعه مقالات، انتشارات آگاه.
- ایمانی فرد، ع و کامکار، م. (۱۳۸۹). مقایسه خشونت خانوادگی و نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی، مجله یافته‌های نوین در روان شناسی، سال پنجم، شماره ۱۴، ۶۵-۵۱.
- بهرامی احسان، ه و طهباز حسین زاده، س. (۱۳۸۶). مقایسه آزاردیدگی، سلامت روانی، و جهت گیری مذهبی در دختران فراری و عادی شهر تهران، مجله علوم تربیتی، سال سی و هفتم، شماره ۱، ۱۵۷-۱۴۳.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۷۷). روان شناسی نوجوانان، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پورافکاری، ن. ا (۱۳۷۶). فرهنگ جامع روانشناسی، روانپزشکی و زمینه‌های وابسته، جلد اول، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- جوادی یگانه، م.ر و فروع الدین عدل، ا. (۱۳۸۴). مسئله دختران فراری، طرح آینده، تهران.
- حسینیان، س. زهرایی، ش و خدابخشی کولائی، آ. (۱۳۸۲). مقایسه و ارتباط عملکرد خانواده و سلامت روانی نوجوانان فراری از خانه با نوجوانان عادی، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۴، شماره ۱۶، ۴۵-۲۵.

- حقیقت دوست، ز. (۱۳۸۱). عوامل زمینه ساز فرار دختران از منزل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۳). تاثیر ساخت خانواده بر فرار دختران. پژوهش زنان، دوره ۲۰، شماره ۱۰۱، ۳-۸۵.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۲). بررسی ساخت خانواده، سبک دلبستگی دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها، رساله جهت اخذ درجه دکتری در رشته روان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- حیات روشنایی، ا. (۱۳۸۱). بررسی رابطه فرار دختران با وضعیت خانوادگی، شیوه‌های تربیتی والدین و میزان اعتماد به نفس آنان، خلاصه مقالات همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران.
- حیدری، ش و رسول زاده طباطبائی، ک. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های حل مساله در کاهش تمایل به فرار دختران نوجوان در معرض فرار، فصلنامه خانواده پژوهی، سال سوم، شماره ۱۰، ۵۸۵-۵۷۳.
- خرم آبادی، ی. ا. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های شخصیتی و عوامل زمینه ای مرتبط با فرار دختران در شهر همدان، مجله پژوهش علوم انسانی، سال دهم، شماره ۲۶، ۲۴۷-۲۳۱.
- رسول‌زاده طباطبائی، ک. بشارت، م. ع و بازیاری، م. (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیر فراری، ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۱۰، ۳۴-۲۴.
- رضایی، ف. (۱۳۸۲). بررسی علل و عوامل فرهنگی و اجتماعی گریز دختران از منزل در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی .
- زرگر، ف. پورکمالی، ط. مرادی، ا و زرگر، ع. (۱۳۸۷). مقایسه عملکرد خانواده، دختران اقدام کننده به فرار از منزل با گروه شاهد در شهر اصفهان، مجله علوم تحقیقات رفتاری، دوره ۷، شماره ۱، ۷۴-۶۹.
- ساکی، م. صفا، م. جزایری، ح. آستی، پ. جاریانی، م و ساکی، م. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روان شناختی زنان و دختران فراری نگهداری شده در مراکز مداخله در بحران‌های اجتماعی استان لرستان، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان. دوره نهم، شماره ۱، ۴۲-۳۵.

- سامانی، س. (۱۳۸۵). همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی در دختران فراری از خانه، مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، سال دوازدهم، ۲۶۲-۲۵۸.
- سلیمی، ع و داوری، م. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاره، ح و آقامحمدیان، ح. ر. (۱۳۸۶). رابطه بین پایگاه‌های هویت و فرار دختران از خانه، مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲، ۱۲۷-۱۲۲.
- صابری اسفید واجانی، م. مولوی نجومی، م. ملکوتی، س. ک. اسمعیلی شاهرودی مقدم، ز. بحرینی، م. جعفری، آ. مهاجرپور، ا.م. (۱۳۸۹). بررسی فراوانی عوامل مرتبط با خانه‌گریزی دختران فراری ارجاع داده شده به یکی از مراکز پزشکی قانونی استان تهران، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۶، شماره ۱، ۲۰-۱۴.
- صدیق سروستانی، ر. ا. (۱۳۸۵). آسیب‌های اجتماعی، چاپ دوم، انتشارات سمت.
- غریبی، ح. (۱۳۸۶). عوامل خانوادگی و فرهنگی موثر بر فرار دختران از منزل، روان شناسی کاربردی، دوره اول، شماره ۴، ۳۹-۳۳.
- فتحی، م. (۱۳۸۷). عوامل خانوادگی موثر بر فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷، ۹۴-۷۳.
- فرخ‌زاد، پ. (۱۳۸۷). تأثیر جوخانوادگی بر تمایلات روان رنجورانه فرزندان، مجله اندیشه و رفتار، دوره سوم، شماره ۹، ۴۸-۴۱.
- کامرانی فکور، ش. (۱۳۸۵). شیوع خشونت‌های خانوادگی تجربه شده در کودکان فراری و غیر فراری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۲۱۷-۱۹۷.
- لطفی کاشانی، ف و وزیری، ش. (۱۳۸۷). روان شناسی مرضی کودک. تهران: ارسباران.
- محبی، ف. (۱۳۸۱). آسیب شناسی اجتماعی زنان، فصلنامه کتاب زن، شماره ۱۵، انتشارات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- محمدخانی، ش. (۱۳۸۶). عوامل روانی - اجتماعی موثر در فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۶۸-۱۴۷.
- معتمدی، س. ه. (۱۳۸۶). اولویت بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، ۳۴۷-۳۲۷.

- معظمی، ش. (۱۳۸۲). فرار دختران چرا؟ تهران: گرایش.
- ملاشریفی، ش. و خسور، ح و سلیمی زاده، م. ک. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس جو خانواده برای خانواده ایرانی ساکن تهران، فصلنامه خانواده پژوهی، سال اول، شماره ۳، ۲۵۵-۲۶۸.
- نیسی، ع و حقیقی، ج. (۱۳۸۶). شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات روانی آنان در استان خوزستان، پژوهش‌های تربیتی و روان شناختی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸. ۱۰۵-۱۲۰.
- نوابخش، م و قایدمحمدی، م. ج. (۱۳۸۶). تأثیر عوامل خانوادگی و روانی بر فرار دختران از خانه، روان شناسی کاربردی، دوره اول، شماره ۴، ۶۳-۶۹.
- هاشمی، س. ع. فاطمی‌امین، ز و فولادیان، م. (۱۳۸۹). پیامدهای فرار دختران از منزل، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، ۱۶۱-۱۸۷.

انگلیسی

- Andres-Lemay V. J, Jamieson. E, MacMillon H.L. (2005). Child abuse, psychiatric disorder, and running away in a community sample of woman, *Can. J psychiatry*; 50(11): 9-648.
- Arjomand Kermani. R. & Rajabzadeh .A. (2011). Survey of the Facts That Affect Home Runway of Female Students in Tehran City, *Middle-East Journal of Scientific Research* 7 (4): 521-529.
- Benoit – Brayn, J. (2011). The runaway youth Longitudinal study, *National Runaway Switchboard*, 1-5.
- Cavilla, A. (2001). Consultation on young runaways, www.Cabinetoffice.gov.uk/seu/index.htm.
- Chapple, C.L, Johnson LD, whitbeck L.B, (2004). Gender and Arrest among Homeless and Runaway Youth, *Youth violence and Juvenile Justice*; 2(2): 129-47.
- Chesney – Llund, M, Morash, M., & Stevens, T. (2008). Girls's troubles, girl's delinquency and gender responsive programming: A review, *The Australian and New Zealand Journal of criminology*, volume 41, 162 – 189.
- Cleverly, K., & Kidd, S. (2010). Resilience and Suicidality Among Homeless Youth, volume 34, issue, 5, 1049-1054.

- Coleman, D.R. Joshua. (2007) .When Parents Hurt: Compassionate Strategies When You and Your Grown Child Don't Get Along: New York: HarperCollins.
- Commings, E.M., Davies, P.T. & Campbell, S.B. (2001). Development psychopathology and family process, New York: The Guilford press.
- Conger, R, Elder, G, Lorenz, F., Simons, R., & Whitbeck, L. (1992). A Family process model of economic hardship and adjustment of early adolescent boys. *Child Development*, 63, 526-541.
- Conner, M.G. (2009). Understanding and Preventing Teenage Runaways, [Http://www.Crisis Counseling.org](http://www.CrisisCounseling.org).
- Craig, D.R & Hendrix, S. (2011). Local Management Board Harford County Department of Community Services, www.harfordcountymd.gov/services/lmb
- Dehbozorgi, G.R. (2011). A survey of the demographic, personality and psychopathology characteristics of the runaway girls , *European Psychiatry* , volume 26 , 275 .
- Ferguson, K.M. & Bender, K. & Thompson, S & Xie, B. & Pollio, D. (2011). Correlates of street-survival behaviors in homeless young adults in four U.S. cities. *American journal of orthopsychiatry*, volume 81, issue 3, 401 – 409.
- Flowers, R.B. (2009). Prostitution in the digital age: selling sex from the suite to the street, available on the World Wide Web as a book, visit. Abc-clio.com.
- Flowers, R.B. (2001). Runaway kids and teenage prostitution: America's lost, abandoned, and sexually exploited children. Westport, CT: Greenwood press.
- Hadland SE, Marshall BD, Kerr T, Qi J, Montaner JS, Wood E. (2011) .Depressive Symptoms and Patterns of Drug Use Among Street Youth, *Journal of Adolescent Health* Volume 48, Issue 6 , Pages 585-590.
- Hammer H., Finkelhor, D., & Sedlak, A. (2002). Runaway/Thrown away Children: National Estimates and Characteristics, National Incidence Studies of Missing, Abducted, Runaway, and Thrown away Children. Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
- Johnson, K. D., Whitbeck, L. B., & Hoyt, D. R. (2005). Substance abuse disorders among homeless and runaway adolescents, *Journal of Drug Issues*, 799-816.
- Johnson, H.D., Lavoie, J.C. & Mahony, M. (2001). Interparental Conflict and family Cohesion Predictors of Loneliness, Social anxiety and social avoidance in Late adolescent, *Journal of adolescent Research*, 16, 304-318.

- Khong, L .Y. (2009). Runaway Youth in Singapour: Exploring demographics, motivation, and environment, *J. child & serv Rev.*; (31):125-139.
- Kidd, S, A. & kral, M.J. (2002). Suicide and prostitution among street youth: A qualitative analysis, *Adolescence*, 37,411-421.
- Ledingham, J. E. and Schwartzman, A. E. (1984). A.3-year follow-up of aggressive and withdrawn behavior in childhood: preliminary findings, *Journal of Abnormal child Psychology*, 12,157-168.
- Leober, R., and dishiol, T.J. (1983). Early Predictors of male delinquency: A review *Psychological Bulletin*, 49, 68-99.
- Lingren, H.G.(2003). Creating sustanable families. Published by cooperative extension Institute of Agriculture and Natural Resources, University of Nebraska-Lincoln. Available on: www.ianr.Unl.edu/pubs/family.
- Lynn. R. (2002). Relationship of sexual Abuse, connectedness, and loneliness to perceived well-being in Homeless youth JSPN, volume, 7, issue 2 , 51-63.
- McCarthy, B., Hajan, J, and Martin, M.J. (2002). In and out harm way: Violent victimization and the Social Capital of fifth street families. *Criminology*, 40,831-866.
- McIntyre. S. (2009). The sexual Exploitation of young man, western Canadian edition, 3-82.
- Meade, M. (2001), System Youth: A Subgroup of Substance-abusing Homeless Adolescents, *Journal of Substance Abuse*, 13, 367-384.
- Melander, L.A and Tyler, K.A. (2010).the effect of early maltreatment, victimization, and partner violence on HIV risk behavior among homeless young adults published in *Journal of Adolescent Health*, volume 47, 575 – 581.
- Moon. M.W, Binson .D, & Binson, D & Diaz, R. (2001). Correlates of HIV risk in a random sample of street youth in San Francisco, *Journal of the Association of Nurses in AIDS care*, Volume 12, Issue 6, November- 18-27.
- National Runaway Switchboard (2010). 2010 NRS Call Statistics, http://www.1800runaway.org/learn/research/2010_nrs_call_statistics/
- National Center for Missing and Exploited Children. (2002). Female juvenile prostitution: Problem and response. Washington, DC: National Center for Missing and Exploited Children.
- Newby, H. (2009). The causes of teenage Runaways and how to prevent it , www.dikseo.teimes.gr/spoudastirio/ : 1-12.
- Pergamit, M., Ernst, M., Benoit-Bryan, J., & Kessel, J. (2010). Why they run: Anin-depth look at A runaway youth

- <http://www.1800runaway.org/learn/research/>
- Raphael, J & Shapiro D.L. (2010). Sisters speak out: the lives and needs of prostituted woman in Chicago, center for impact research, [www. Impactresearch.org](http://www.Impactresearch.org).
- Robinson, A. (2010). Characteristics of adolescent females sexually exploited through prostitution graduate college university of Nevada, Las Vegas, 1 – 77.
- Rosenthal, D., Mallett, S., & MYERS, P. (2006). Why do homeless young people leave home? Australian and New Zealand, *Journal of Public Health*, volume 30, 185 – 281.
- Rotheram-Borus, M. J., Song, J., Gwadz, M., Lee, M., Van Rossem, R., & Koopman, C. (2003). Reductions in HIV Risk among Runaway Youth. *Prevention Science*, volume 4, issue, 3, 173–187.
- Saewyc, E. M. Edinburg, (2009) .Restoring Healthy Developmental Trajectories for Sexually Exploited Young Runaway Girls: Fostering Protective Factors and Reducing Risk Behaviors. *Journal of Adolescent Health*, volume 46, issue 2, 180 – 188.
- Schuller, J & Link J, Hubbard, G, oded, W, Shaban, S, Njeri, A. (2006) .Assessment of youth reproductive health and Hiv/ AIDS programs in Kenya , Family Health International (FHI): [www. Fhi.org](http://www.Fhi.org).
- Selback, J. & Carlos, A. (2002). Attachment Style and runaway Youth: Does attachment Style Differ among types of runaway?, *Journal of dissertation abstracts international*, 61, 280-289.
- Shahrokhi, S. (2008). Two tragedy hits: A concise socio-cultural analysis of sex trafficking of young Iranian woman. *Anti- trafficking, human rights, and social justice, wagadu*, volume 5, 21-31. *Youth Services Review*, 31, 732-742.
- Slesnick, N., Patton .R, Dashora .P. (2011). Runaway Teens, *Encyclopedia o aolcene*, publisher: Elsevier, 276 – 282.
- Slesnick, N., & Prestopnik, J. L. (2005). Ecologically based family therapy outcome with substance abusing runaway adolescents. *Journal of Adolescence*, 28, 277–298.
- Slesnich, N; Meyers, R .J; Mead; M. & segelten, D.H. (2002). Bleak and hopelessness more engagement of reluctant substance abusing runaway. *Journal of research on adolescents*, 9, 53-66.
- Slesnick, N. Meyers, R.J, Meade, M & Segelken D.H. (2000). **Bleak and hopeless no more: Engagement of reluctant substance-abusing runaway youth and their families** *Journal of Substance Abuse Treatment*, Volume 19, Issue 3, 215-222.
- Smeaton, E. (2009) .Off the Radar: Children and Young People on the Streets in the UK Railway Children, publisher: Elsevier, (page 22).

- Spareth cherry .S. (2003). I teen Treat : I am going to runaway, <http://www.FamilyFun.go.com>
- Stinton , A. (2007).The causes and consequences of Running away: what difference does Gender make ?, Dissertation Submitted to the Faculty of the Graduate School of Vanderbilt University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Sociology .
- Sullivan, P. M. Knutson, J. F. (2000), The Prevalence of Disabilities and Maltreatment among Runaway Children, Child Abuse and Neglect, Vol 19, No 4, pp. 433-447.
- Thrane, L.E, & Chen .X. (2011). **Impact of running away on girls' pregnancy** Journal of adolescent health, In Press, Corrected Proof, Available on Elsevier. Thrane, L.E, & Chen .X. (2010). **Impact of Running Away on Girls' Sexual Onset**, *Journal of Adolescent Health*, Volume 46, issue: 1, 32-36.
- Thrane, L.E. Hoyt, R. D. Whitbeck, L.B. & Yoder K, A. (2006).**Impact of family abuse on running away, deviance, and street victimization among homeless rural and urban youth**, Child Abuse & Neglect, Volume 30, Issue 10, 1117-1128.
- Thompson, S. J. Bender, K A. Lewis, C M &Watkins .R. (2008). Runaway **and Pregnant: Risk Factors Associated with Pregnancy in a National Sample of Runaway/Homeless Female Adolescents** Journal of Adolescent Health, Volume 43, Issue, 2, 125-132.
- Tucker, J. S., Edelen, M. O., Ellickson, P. L., & Klein, D. J. (2011). Running away from home: a longitudinal study of adolescent risk factors and young adult outcomes, *Youth Adolescence*, 40, 507-518.
- Tyler, K. A., & Beal, M. R. (2010). The high-risk environment of homeless young adults: Consequences for physical and sexual victimization, *Violence and Victims*, 25, 101- 115.
- Tyler, K.Johnson, K.A. & Browndrige. (2008). A longitudinal study of the effects of child maltreatment on later outcomes among High-risk adolescents, *Journal of youth and adolescence*, volume 37, 504 – 521.
- Van Leeuwen, J.M & Hopfer, Ch.(2004).A Snapshot of substance abuse among homeless and Runaway youth in Denver, Colorado, *Journal of Community Healthy* , volume 29 , number 3, 217 – 229 .
- Walker, N.E. (2002). Prostituted teens: more than a Runaway problem, Michigan family impact seminars briefing report.
- Wincup, E. Buckland, G. & Bayliss, R. (2003). Youth homelessness and substance use: report to the drugs and alcohol research unit, the views expressed in this report are those of the authors, not

necessarily those of the Home Office (nor do they reflect Government policy), Home Office Research, Development and Statistics Directorat.

- Whitbeck, L, B., Hoyt, D.R. and Youder, K.A. (1999). A risk amplification model of victimization and depressive symptoms among runaway and homeless adolescent American Journal of community Psychology, 27, 273-296.
- Williamson, C. & Cluse – Tolar, T. (2002). Pimp – controlled prostitution, still an integral part of street life. VIOLENCE AGAINST WOMAN, volume 8, number 9, 1074 -1092.
- Yates, G. L., Mackenzie, R., Pennbridge, J., & Swofford, A. (1991). A Risk Profile Comparison of Homeless Youth Involved in Prostitution and Homeless Youth Not Involved, *Journal of Adolescent Health*, 12, 545-548.